رویداد

معرفی نامزدهای شعر بزرگسال جایزه قلم زرین

وجیهه سامانی، دبیر شانزدهمین دوره جایزه قلم زرین درباره اعلام نتایج کاندیداهای گروه شعر بزرگسال جایزه قلم زرین، اعلام کرد: آخرین جلسه داوری گروه شعر بزرگسال روز چهارشنبه ۲ تیر ماه در محل انجمن قلم و با حضور بنده و ۳ داور این گروه برگزار شد که طی ۵ ساعت بحث و تبادل نظر و جمع‌بندی امتیازات، از میان همه آثار چاپ شده در سال ۹۶ در حوزه شعر بزرگسال که طبق لیست دریافتی از خانه کتاب ۳۰۵۷ عنوان کتاب بود، نامزدهای دریافت جایزه قلم زرین بدین شرح انتخاب و معرفی شدند: «ساکن چو آب و روان چون رود» اثر تقی پورنامداریان، «دلنخواهی» اثر محمد حسین انصاری‌نژاد، «لیلی آذر» اثر آذر سعادتمند، «سیاه مست سایه تاک» اثر مرتضی امیری‌اسفندقه، «عشق سوزان است» اثر مهدی جهاندار، «تحیر» اثر سیدحمیدرضا برقعی، «اسفارآفتابگردان» اثر عباس باقری، «به رنگ درنگ» اثر محمد مرادی، «مرز ما عشق است» اثر سیدمحمدمهدی شفیعی و «سفرنامه با صاد» اثر سید مهدی موسوی. وی همچنین پیرامون آثار منتخب اظهار داشت: خوشبختانه در حوزه شعر بزرگسال شاهد آثار بسیار خوب و فخیمی بودیم، این از تعدد کاندیداهای این بخش هم مشهود است. رقابت به حدی تنگاتنگ و امتیازات نزدیک به هم بود که تیم داوری تصمیم گرفت ۱۰ عنوان کتاب را به عنوان کاندیدای جایزه قلم زرین معرفی کند تا در نهایت، در روز چهاردهم تیرماه، مصادف با روز ملی قلم، کتاب برگزیده این بخش که شایسته دریافت جایزه قلم زرین است، معرفی شود.

سینما

اکران «تنگه ابوغریب» پس از دارکوب

غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره تازه‌ترین اخبار نمایش فیلم‌های سینمایی اظهار داشت: فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» به کارگردانی بهرام توکلی بعد از فیلم سینمایی «دارکوب» در سرگروه استقلال اکران می‌شود. به گزارش فارس، فرجی درباره جلسه این شورا، گفت: در جلسه شورای صنفی نمایش، قرارداد فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» در سرگروه استقلال بعد از فیلم سینمایی «دارکوب»، قرارداد فیلم سینمایی «کاتیوشا» در سرگروه زندگی بعد از فیلم سینمایی «دلم می‌خواد» به ثبت رسید. وی ادامه داد: فیلم‌های سینمایی «خاله قورباغه» در سرگروه «آزادی»، «دارکوب» در سرگروه «استقلال» و «به وقت خماری» در سرگروه سینمایی «ایران»، از روز چهارشنبه ۶ تیرماه اکران خود را آغاز خواهند کرد. سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره وضعیت سهم فیلمسازان از طرح نمایش بازی‌های فوتبال جام‌جهانی در سینما، خاطرنشان کرد: درباره این موضوع شورای عالی اکران بزودی تصمیم نهایی را اعلام خواهد کرد.

سریال

جزئیات جدید از سریال ضد آمریکایی «نفوذ»

سریالی با طعم لانه جاسوسی

محسن علی‌اکبری، تهیه‌کننده سریال «نفوذ» که به کارگردانی جواد شمقدری در حال تولید است، پیرامون این سریال اظهار داشت: تاکنون ۴ ماه از آغاز تصویربرداری «نفوذ» می‌گذرد و ۴۰ درصد از تصویربرداری این سریال در ۳۸ لوکیشن مختلف در تهران انجام شده است. به گزارش فارس، این تهیه‌کننده با اشاره به اینکه داستان این سریال بر اساس واقعیت و مستندات آرشیوی است، بیان داشت: نفوذ تلاش دارد تاثیر منفی حضور بیگانگان در داخل کشور را به تصویر بکشد و در نهایت می‌خواهد برای نسل جوان و نوجوان این سوال را پاسخ دهد که چرا به سفارت آمریکا لانه جاسوسی می‌گویند. ما در سریال می‌بینیم که سایت‌های مختلف جاسوسی در اقصی‌نقاط کشور، مثل سایت کپکان کارش جاسوسی است و گزارش‌هایش را به طور کامل تحویل سفارت آمریکا می‌داده است و از آنجا به سی‌ای‌ای منتقل می‌کردند. این تهیه‌کننده درباره بازیگران و معرفی آنها در این سریال افزود: ۶ نقش اصلی این مجموعه تلویزیونی بازیگرانی هستند که تا به حال در تلویزیون بازی نکرده‌اند و خدا را شکر خیلی خوب هم ظاهر شدند. وی همچنین بیان داشت: از طرفی هم صالح میرزا آقایی، حمید گودرزی، رحیم نوروزی، جلیل فرجاد، علیرام نورائی، احمد نجفی و... نقش‌هایی را ایفا کردند که هر کدام در تاریخ وجود خارجی داشتند. علی‌اکبری یادآور شد: این مجموعه تلویزیونی از دی‌ماه ۵۷ تا آبان ۵۸ و اتفاقات ۸ ماه از تاریخ انقلاب را در ۳۰ قسمت به تصویر می‌کشد.

یادداشتی درباره چرخه معیوب توزیع محصولات فرهنگی و هنرمندانی که ناشناخته باقی مانده‌اند

در حسرت روح‌الامین‌ها

میکائیل دیانی: اپیزوداول: نخستین بار نقاشی‌هایش را در ایام محرم چند سال پیش در اینترنت دیدم آن زمان به نام هنرمندش کاری نداشتم و تصورم آن بود که شاید اینها ادامه کار استاد فرشچیان باشد؛ بیشتر هنرش من را جذب می‌کرد و طرح‌های خارق‌العاده‌ای که داشت تا نام هنرمندش؛ بعضی وقت‌ها دقایقی مجذوب نقاشی‌هایش می‌شدم و گریه‌ام می‌گرفت، نقاشی‌هایی که خود روضه‌ای مجسم بود از کربلایی که سال‌ها در مجالس تنها از آن شنیده بودیم! بعدها به‌واسطه یک آشنای مشترک که دعوتنامه رونمایی از یکی از آثار «استاد حسن روح‌الامین» را فرستاد که پشت آن چند عکس کوچک از کارهای قبلی ایشان نیز بود، همانجا فهمیدم آن که این نقاشی‌ها را می‌کشد جوانی است هم‌نسل ما که شاید چند سال بزرگ‌تر از من باشد و از همان زمان سعی کردم همه آثارش را دنبال کنم.

اپیزود دوم: تابستان سال گذشته بود که در خبرها خواندم همزمان با اعیاد سعید «قربان» و «غدیر» تازه‌ترین اثر نقاشی حسن روح‌الامین با عنوان «لافتی الا علی» در تالار وحدت رونمایی خواهد شد. خودش می‌گفت کار این تابلو که حدود ۶ ماه زمان برده است فضای متفاوت‌تری نسبت به کارهای قبلی دارد و موضوع آن مربوط به جنگ اُحد است. به همراه ۲ تن از دوستان از روزنامه برای دیدن این اثر راهی تالار وحدت شدیم، طبقه دوم محل برگزاری مراسم رونمایی بود اما صحنه‌ای دیدیم که واقعا ناراحت‌کننده بود. تعداد بازدیدکنندگان کمتر از انگشتان ۲ دست بود که عموما نیز خبرنگار بودند و برای پوشش خبری آمده بودند. این در حالی بود که بسیاری را من می‌شناختم که مثل خودم با دیدن تصاویر نقاشی‌های حسن روح‌الامین حال‌شان دگرگون می‌شد اما همان‌ها هیچ‌کدام برای رونمایی و تقدیر از زحمت ۶ ماهه‌ای که او برای خلق این اثر کشیده بود نیامده بودند. اگرچه از دیدن این تصویر فوق‌العاده لذت برده بودیم اما با ناراحتی از آنجا بیرون آمدیم که چرا قدر هنرمان را نمی‌دانیم.

اپیزود سوم: این روزها روح‌الامین در فرانسه ورکشاپ نقاشی دارد. طبیعتا فرانسوی‌ها هم او را بیشتر به عنوان یک نقاش آیینی می‌شناسند که آثارش را با الهام از مذهب و دین می‌کشد و سوژه‌هایش عمدتا حادثه‌های مهم تاریخ اسلام است اما استقبال از او بسیار بیشتر از روزهایی است که در داخل کشور داشت. این ورکشاپ با موضوع ظهور و در محوطه کتابخانه «ژرژ پمپیدو» در معرض دید عموم قرار گرفت و طی آن تابلویی به نام «بازگشت» خلق شد که تصویری است تمثیلی از حضرت مسیح (علیه‌السلام) که در میان فرانسوی‌های علاقه‌مند به هنر برگزار شده است.

این سه اپیزود مقدمه‌ای است برای یک بحث مهم که در چرخه فرهنگی کشور مورد غفلت قرار می‌گیرد. در عرصه فرهنگی ما با یک چرخه «تولید، توزیع، مصرف» مواجهیم که اگرچه محصولات خوب فرهنگی تولید می‌کنیم اما سازوکار توزیع و التزام به مصرف آن را کمتر درک کرده‌ایم. برخلاف برخی که همواره جریان فرهنگی انقلاب اسلامی را در اقلیت و مغلوب جریان روشنفکرنمایی می‌دانند، می‌توان این ادعا را داشت که ما بیشتر در توزیع و مصرف مشکل داریم و الا کالای فرهنگی خوب و با کیفیت در اختیار داریم و پایین آمدن سطح فرهنگ عمومی را می‌توان ناظر به مصرف کالای فرهنگی بی‌کیفیت دانست. این درحالی است که در آن طرف دنیا قدر فرهنگ و اثر فرهنگی خوب را حتی اگر از چند هزار کیلومتر آن طرف‌تر از یک قاره دیگر آمده باشد می‌دانند و سعی می‌کنند در این مدت کوتاهی که این هنرمند در کنار آنهاست از او نهایت بهره را ببرند. آنها چقدر قدر هنر ارزشمند را می‌دانند و ما چقدر قدر آن را نمی‌دانیم!

به عنوان مثالی دیگر می‌توان عرصه موسیقی را مشاهده کرد. وقتی استاد «محمد معتمدی» در برنامه دورهمی درباره تعداد کنسرت‌های خارج کشورش صحبت کرد بسیاری از حضار با تعجب نگاه می‌کردند و برای‌شان قابل باور نبود که خواننده‌ای که شاید آنها در ایران نمی‌شناختند، ماهی چند اجرای ارکستر سمفونیک بزرگ در اروپا و آمریکا دارد؛ جامعه‌ای که بیشترین سرچ موسیقی‌اش روی ترانه‌های سطحی و مبتذل «ماکان بند» و «هوروش بند» و دیگر بندهای موسیقی‌ای است که شاید با اصول اولیه و دستگاه‌های آوازی هم آشنا نیستند. معتمدی هم البته این روزها در اروپا به سر می‌برد و کنسرت پرجمعیتش را در شهرهای دنهاخ (لاهه) اوترخت هلند روی صحنه دارد. اینها در حالی است که اگر این چرخه فرهنگی درست عمل کند می‌تواند نویدبخش یک فرهنگ پویا باشد که اتفاقا «اقتصاد فرهنگی» قابل قبولی نیز دارد که نمونه آن را می‌توان اکران نوروزی فیلم‌های انقلابی و بازخورد بالای مخاطبان دانست که بیشترین اثر در جذب مخاطب را اتفاقا همین چرخه تولید، توزیع، مصرف و کمپین‌هایی داشت که جریان آوانگارد انقلابی برای معرفی این محصولات و مصرف عامه طی کرد.

«روح‌الامین»، «معتمدی» و بسیاری مثل آنها که محصول باکیفیت فرهنگی برای ما تولید می‌کنند اگر در این چرخه فرهنگی داخلی با استقبال مواجه شوند قطعا تکثیر خواهند شد و برآمدن هنرمند متعهد در جامعه یعنی جامعه‌ای با فرهنگ عمومی مترقی! خوب است به این نکته توجه کنیم که بسیاری از کشورهای اروپایی به دلیل طی کردن فرآیند مدرنیته و خلأ فرهنگی امروز در حسرت «روح‌الامین»ها هستند و مایی که دارای روح‌الامین‌ها هستیم باید قدر آنها را بدانیم!

رویداد

یک شب با کودکان سوری در «شب‌های نورانی» حلب

خنده‌های کودکانه در سرزمین خون و آتش

گروه فرهنگ و هنر: جشن بزرگ «شب‌های نورانی» (لیالی الساطعه) به مدت ۱۲ شب در پایتخت سوریه با محوریت کودکان و نوجوانان برگزار شد. این برنامه که به مناسبت ماه مبارک رمضان و ایام عید فطر در حلب سوریه تدارک دیده‌شده بود، به همت مرکز کودک و نوجوان سازمان هنری- رسانه‌ای اوج با همکاری موسسه فرهنگی- هنری مهاد در کشور سوریه با هماهنگی نیروهای بسیج مردمی (فیلق) برگزار شد. میدان سعدالله جابری یکی از میدان‌های مشهور شهر حلب است؛ میدانی در مرکز و تقریباً نزدیک به همه نقاط شهر؛ استانداری حلب در قسمت جنوبی همین میدان و دفتر مرکزی حزب بعث در قسمت شمالی میدان است. معمولاً شب‌ها حدود ۳ هزار میهمان در این میدان جمع می‌شدند و علاوه بر صندلی‌هایی که برای‌شان چیده شده بود، ایستاده هم از برنامه‌های جشن شب‌های نورانی (الیالی الساطعه) استفاده می‌کردند. شب‌های نورانی (الیالی الساطعه) عنوان برنامه‌ای ترکیبی است متشکل از غرفه‌های شادی کودکان و نوجوانان و اجرای برنامه‌های شاد و متنوع روی استیج. بچه‌ها برای اینکه روی صورت‌شان نقاشی کشیده شود به صف ایستاده بودند، دختر و پسر نداشت. از بچه یک‌ساله که در آغوش مادر بود تا پسر و دخترهایی که نهایتاً به ۱۰ سال می‌رسیدند. کسی که مسؤول نقاشی روی صورت بچه‌ها بود، روزهای اول تنها کار می‌کرد ولی هرچه می‌گذشت با توجه به اینکه تعداد مخاطبانش بیشتر می‌شد، کمک بیشتری می‌گرفت. به نظرم شب چهارم یا پنجم بود که حدوداً ۷ نفر مشغول کشیدن نقاشی روی صورت بچه‌ها بودند. این بخش یکی از بخش‌های جذاب برنامه شب‌های نورانی (الیالی الساطعه) بود؛ بچه‌ها اول صورت‌شان نقاشی می‌شد، بعد وارد رستوران بازی می‌شدند. در قسمت غربی میدان سعدالله جابری غرفه فروش کتاب هم راه افتاده بود؛ کتاب‌هایی که ویژه کودکان و نوجوانان بود و توسط مرکز کودک و نوجوان اوج تهیه شده و با یک تخفیف مناسب به خانواده‌ها فروخته می‌شد.

کتاب‌هایی که به زبان عربی نوشته شده و قطعاً طرفداران پروپاقرصی داشت که معمولاً جلوی این غرفه شلوغ بود. قسمت بازی‌های گروهی در زمان برگزاری جشن بازی‌های متنوعی داشت مثلاً ابتدا مار و پله داشتند. مربی ارشد وسط میدان ایستاده و بازی‌های مار و پله را برای دیگر مربیان و بچه‌های شرکت‌کننده شرح می‌دهد. یک صفحه بزرگ مار و پله که رویش مارها در خانه آمریکا و اسرائیل نیش می‌زدند و بچه‌ها باید بدون جوراب روی صفحه بنر بازی می‌کردند. مربی تاس بزرگ با اندازه‌ای نزدیک به یک متر در یک متری که به جای دایره‌های رویش از ستاره‌های سوری و به جای عدد ۶ از تصویر پرچم سوریه استفاده شده بود را در دست گرفت و درباره اعدادش توضیح داد. بعد هم بچه‌ها با هیجان و علاقه اطرافش جمع شدند. از نگاه پراشتیاق بچه‌ها می‌شد فهمید در دل‌شان چه غوغایی است. این بازی‌ها و مسابقه‌ها در همان بخش اول برنامه یعنی از ساعت ۹ تا ۱۱ برگزار شد و بعد از آن مجری برنامه، همه را برای شروع رسمی مراسم به سمت صندلی‌های‌شان دعوت کرد. مجری روی سن آمد و بعد از تشکر از حضور میهمان‌ها با درود به روح حافظ اسد، رئیس‌جمهور فقید از همه خواست به احترام او یک دقیقه بایستند. گروه موسیقی کرال حلب سرود ملی سوریه را خواند و برنامه شب‌های نورانی (الیالی الساطعه) رسماً شروع شد. اجرای تئاتر مقاومت توسط هنرآموزان مرکز دفاع مردمی حلب با عنوان «حلب» بخش پرطرفداری بود. در این بخش تئاتر ماجرای تجاوز به خاک سوریه و همکاری نیروهای ایرانی و حزب‌الله را در دفاع از این سرزمین روایت می‌کرد. تقدیر از پدر شهید قرقناوی از دیگر بخش‌های برنامه بود. محمد القرقناوی، پدر دو شهید است که فرزندانش در سوریه به شهادت رسیدند. او خودش فلسطینی است و تاکنون در ۵ جبهه سوریه جنگیده است. وقتی او برای تقدیر روی سن رفت، بعد از دریافت هدیه‌اش گفت: یکی از افتخارات مهم ما این است که فرزندان‌مان برای دفاع از آزادی وطن جان خود را از دست دادند. ما تا پای جان برای دفاع از حکومت و وطن‌مان می‌جنگیم.

نگاه

بی‌بی‌سی فارسی یا نزدیکان آقای گزارشگر، کدامیک خبر جعلی موی پویول را زودتر مخابره کردند؟

مدیران سیما و شگرد آقای گزارشگر

زمان را تا تاریخ دعوت از لوئیس فیگو، کاپیتان اسبق تیم‌ملی پرتغال به برنامه ۹۰ عقب می‌بریم. روز قرعه‌کشی جام‌جهانی روسیه، گزارشگر رفسنجانی رسانه ملی از پیش اعلام کرده است برای ویژه‌برنامه خود از لوئیس فیگو، کاپیتان اسبق تیم‌ملی پرتغال برای حضور در برنامه‌اش دعوت کرده است. تذکرات و انتقادها نسبت به هزینه بالای دعوت از فیگو شروع می‌شود. همه از مبلغ دریافتی فیگو سوال می‌کنند. عدد و رقم‌ها اعلام و بلافاصله تایید و تکذیب‌ها آغاز می‌شود. همه برای‌شان سوال پیش آمده فیگو در ازای دریافت چه مبلغی با حضور در برنامه عادل فردوسی‌پور موافقت کرده است. اینجا کاملا بحث پول مطرح است، چرا که برنامه ۹۰ نه برنامه‌ای بین‌المللی است که کارشناسان و بازیکنان فوتبال آرزوی حضور در آن را داشته باشند و نه شخص مجری فردی است که بتواند با استفاده از اعتبار بین‌المللی خود شخصی مانند فیگو را دعوت کند. به گزارش میزان، حاشیه‌های حضور فیگو در تهران بالاخره با همه انتقادها به سازمان صداوسیما تمام می‌شود و یک جمله ذهن مردم را به خود مشغول می‌کند: چرا فیگو باید با هزینه ۱۰۰ هزار یورو به تهران بیاید؟ هر چند که اسپانسر این هزینه را تقبل کرده باشد. اسپانسر که می‌گوییم یعنی یک حامی مالی که در ازای نام بردن و تبلیغ کردن برایش در تلویزیون مبلغی را به واحد بازرگانی رسانه ملی پرداخت می‌کند تا کمبود بودجه سازمان صداوسیما از این طریق جبران شود و این یعنی در طول برنامه شما دائما یک اسم و حجم وسیعی از تبلیغات را مشاهده می‌کنید. به روزهای پسافیگو می‌رویم؛ جایی که همه مدیران صداوسیما متفق‌القول در جلسات دائما تکرار می‌کنند که در وضعیت کنونی هیچ میهمان خارجی نباید با هزینه هنگفت به برنامه‌های ورزشی سیما دعوت شود. حتی در جلسه‌ای که حدودا ۲۰ روز پیش از آغاز جام‌جهانی در سازمان صداوسیما برگزار می‌شود باز هم مدیران تاکید می‌کنند که در برنامه ۲۰۱۸ نباید از میهمان خارجی با هزینه هنگفت استفاده شود. اما داستان از جایی شروع می‌شود که عادل فردوسی‌پور با اسپانسر برنامه هماهنگ می‌کند در ازای پرداخت مبلغی بالغ بر ۲ میلیارد تومان از ساموئل اتوئو، کارلس پویول و مانیش در شب بازی‌های ایران در دور اول جام‌جهانی دعوت کند. یکی از ویژگی‌های عادل فردوسی‌پور در نوع تحمیل تصمیم‌هایش به مدیران بالادستی، قرار دادن این افراد در عمل انجام شده است. با وجود هماهنگی‌های قبلی و تذکرهای فراوان بالاخره روز موعود فرا می‌رسد؛ بازی ایران-مراکش. ساموئل اتوئو به تهران آمده و تیم تشریفات وی را در فرودگاه امام خمینی(ره) پذیرفته است. سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که مگر پیش از این توافق صورت نگرفته بوده است که برنامه ۲۰۱۸ و عادل فردوسی‌پور حق دعوت از میهمان خارجی را نداشته‌اند؟ چگونه می‌شود که مدیران صداوسیما با حضور اتوئو در برنامه موافقت می‌کنند؟ آنطور که در تحقیقات خبرنگار میزان مشخص شده است، فردوسی‌پور با تاکید فراوان و در عملی از پیش از این نیز سابقه داشته مدیران خود را در عمل انجام شده قرار می‌دهد و از آنها می‌خواهد با حضور اتوئو در برنامه موافقت کنند. اختلاف‌ها از همینجا آغاز می‌شود و دوباره حاشیه‌های مربوط به مبلغ پرداختی به میهمانان از رسانه‌ها سربرمی‌آورد. حالا نوبت پویول است که در شب بازی ایران و اسپانیا در ازای دریافت پول برای بینندگان کارشناسی کند. اما شرایط برای فردوسی‌پور و عوامل برنامه‌اش آنطور که باید پیش نمی‌رود. با حضور پویول در برنامه به دلایل مالی و توافق انجام شده مخالفت می‌شود، فردوسی‌پور به حالت قهر برنامه را ترک می‌کند و با استفاده از تیم فضای مجازی که در اختیار دارد موضوع را عمومی می‌کند. تیم فضای مجازی زیر نظر عادل فردوسی‌پور (همان نفراتی که تمام اخبار و اطلاعات را در طول اجرای برنامه یا حتی گزارش بازی از طریق موبایل برای وی ارسال می‌کنند و بنا بر اطلاعات به دست آمده، نفراتی را هم در رسانه‌های همسو با سیاست‌های فردوسی‌پور در اختیار دارند) خبر را برای رسانه‌ها ارسال می‌کنند تا با فشار افکار عمومی آقای گزارشگر موفق به آوردن کارلس پویول به برنامه شود. اندکی از غیبت فردوسی‌پور در برنامه ۲۰۱۸ نگذشته است که خبر قهر او در فضای مجازی می‌پیچد و رسانه‌ها در این ارتباط خبر می‌زنند. همزمان عادل فردوسی‌پور پشت‌پرده با مدیران سازمان مذاکره می‌کند اما نتیجه به جایی نمی‌رسد؛ موضع مدیران سازمان برای یک‌بار هم که شده جلوی فردوسی‌پور تغییر نمی‌کند. مجری برنامه ۲۰۱۸ که برنامه ۹۰ را هم اجرا می‌کند پیش از این سابقه قرار دادن مدیران ارشد خود در دوراهی بین بد و بدتر را داشته است. در برنامه ۹۰، ۲ آیتم تهیه می‌کند، اولی را که رد می‌کنند دومی را جلوی مدیران می‌گذارد و از آنجا که آیتم‌ها از قبل تهیه شده‌اند و فرصت تهیه دوباره آنها در بازه زمانی اندک باقیمانده نیست، مدیر مربوط مجبور می‌شود بین بد و بدتر آیتم بد را انتخاب کند. بگذریم! صحبت ما درباره روز دعوت پویول به تهران و حضور او در برنامه ۲۰۱۸ است. تمام تلاش‌ها به در بسته خورده است و زمان برای فردوسی‌پور از دست می‌رود و از طرفی اسپانسر برنامه نارضایتی خود را از اتفاق رخ داده به گوش فردوسی‌پور رسانده است. در این بین یک خبر کاملا برنامه‌ریزی شده همه حواس‌ها را به سمت سازمان صداوسیما پرت می‌کند: «کارلس پویول به دلیل وضعیت ظاهری و موهای بلندش اجازه حضور روی آنتن شبکه ۳ را پیدا نکرده است». خبر مثل بمب می‌ترکد. رسانه‌ها یک به یک خبر را مخابره می‌کنند و اندکی بعد خبر یک خطی بالا روی خروجی بی‌بی‌سی فارسی هم می‌رود. تیم رسانه‌ای ماموریت خود را بخوبی انجام داده است. حالا انگشت اتهام به سوی رسانه ملی و مدیران آن نشانه رفته است. همان روز قائم‌مقام شبکه ۳ سیما با باشگاه خبرنگاران جوان مصاحبه می‌کند و می‌گوید اختلاف سر چند صد میلیون پول بوده است و ۲ روز بعد (هر چند خیلی دیر شده بود) میرباقری، معاون سیمای رسانه ملی مصاحبه می‌کند و با حفظ آبرو می‌گوید انتشار اخبار مربوط به وضعیت ظاهری پویول که باعث روی آنتن نرفتن وی شده کار بی‌بی‌سی فارسی بوده است و ما صددرصد آن را تکذیب می‌کنیم. یک سوال در اینجا مطرح است و آن اینکه یا آقای میرباقری زنجیره اخبار منتشر شده در فضای مجازی را نخوانده و از آن اطلاع نداشته است یا اینکه برای حفظ آبروی سازمان و تهیه‌کننده‌اش موضوع را آنطور که روشن است باز نمی‌کند.

کتاب

آخرین اثر استاد سبزواری در آستانه انتشار

رئیس بسیج هنرمندان از انتشار آخرین اثر زنده‌یاد حمید سبزواری شامل سرود و سروده‌های او در موضوعات انقلاب اسلامی و دفاع‌مقدس تا پایان تیرماه امسال خبر داد. به گزارش تسنیم، امیر نصیربیگی، رئیس بسیج هنرمندان با بیان اینکه مجموعه کامل سروده‌های زنده‌یاد حمید سبزواری بزودی منتشر می‌شود، گفت: به دلیل تغییر مدیریتی که در ماه‌های اخیر رخ داد، چاپ این مجموعه به تأخیر افتاده است. خوشبختانه تمام مراحل کار انجام شده و قرار است تا پایان تیرماه روانه بازار کتاب شود. وی به ویژگی‌های این اثر اشاره کرد و افزود: تلاش شده تمام آثار زنده‌یاد سبزواری در این کتاب جمع و ارائه شود. همچنین گردآورندگان ضمن جمع‌آوری بخش قابل توجهی از سرودهای زنده‌یاد سبزواری از آرشیو صداوسیما تلاش کرده‌اند بخش اعظم سرودهای در دسترس او را نیز در این کتاب تدوین کنند. علاوه بر این، دیگر اشعار این شاعر نیز با چاپ‌های گذشته تطبیق داده شده و گاه مورد ویرایش نیز قرار گرفته است. رئیس بسیج هنرمندان با بیان اینکه آخرین اثر زنده‌یاد سبزواری در ۴ جلد به چاپ خواهد رسید، اضافه کرد: این اثر با عنوان «این بانگ آزادی» منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. «این بانگ آزادی» شامل همه سرود و سروده‌های زنده‌یاد حمید سبزواری، از شاعران نامدار انقلاب اسلامی است که به کوشش رضا اسماعیلی، مصطفی محدثی‌خراسانی و حسین اسرافیلی گردآوری شده است. قرار بود این اثر تا نخستین‌سالگرد درگذشت پدر شعر انقلاب به چاپ برسد اما به دلایل مختلف چاپ آن تاکنون به تعویق افتاده است. به گفته اسماعیلی، بخشی از این کتاب با عنوان «تازه‌ها» شامل سروده‌های منتشر نشده این شاعر است که برای نخستین‌بار در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

■■■

حمیدرضا شکارسری با دفتر شعری تازه می‌آید

حمیدرضا شکارسری مجموعه‌ای از اشعار عاشقانه و اجتماعی خود را در کتابی با عنوان «چراغ قوه در دست خورشید» منتشر می‌کند. به گزارش مهر، حمیدرضا شکارسری، شاعر و منتقد با بیان اینکه آخرین آثارش با عناوین «شکل‌های لیلا» و «شب‌نامه» در نمایشگاه کتاب تهران عرضه شد، اظهار کرد: کتاب «شکل‌های لیلا» شامل بیش از ۱۰۰ شعر عاشقانه و با محور شخصیت لیلی و مجنون در این روزگار سروده شده است. مفهوم کهن عشق لیلی و مجنون در زمان حاضر و خیابان‌های شهرهای ما در کتاب «شکل‌های لیلا» ترسیم می‌شود. مجموعه شعر «شب‌نامه» نیز دارای حدود ۱۳۰ شعر در قالب‌های شعر کوتاه نو است و شخصیت اصلی در این اشعار شب است. مجموعه شعر «چراغ قوه در دست خورشید» نیز مجموعه‌ای از اشعارم است که در آن به موضوعات عاشقانه اجتماعی پرداخته‌ام و این مجموعه نیز بزودی منتشر خواهد شد.

سینمای جهان

کارهای ترامپ کودک بودن سیاستمداران آمریکا را نشان داد

کارگردان مشهور آمریکایی می‌گوید دونالد ترامپ از این نظر خوب بوده که تمام نقصان‌های سیستم سیاسی ایالات متحده را به نمایش گذاشته است! به گزارش مهر به نقل از د رپ، دیوید لینچ، خالق سریال «توین پیکس» هرگز کسی نبوده که از گفتن چیزهای عجیب و تعجب‌برانگیز خجالت بکشد. این بار هم او گفته دونالد ترامپ ممکن است بتواند به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رئیس‌جمهورهای تاریخ به ثبت برسد. بله! او واقعا چنین حرفی زده البته باید بقیه حرف‌هایش را هم شنید تا منظورش مشخص شود. لینچ در مصاحبه‌ای که چند روز پیش با گاردین داشت، درباره وضعیت سیاسی ایالات متحده هم صحبت‌هایی کرد و گفت: ترامپ می‌تواند به عنوان یکی از بزرگ‌ترین رئیس‌جمهورهای تاریخ به ثبت برسد چون تا حد بسیار زیادی همه چیز را به هم ریخت. هیچ کس دیگر نمی‌تواند با این آدم به شیوه‌ای هوشمندانه مقابله کند. لینچ موضع‌گیری خود را اینطور توضیح داد که ترامپ با رفتارهای عجیبش توانسته بسیاری از مشکلات سیستم سیاسی آمریکا را به وضوح به نمایش بگذارد. این افراد به ظاهر رهبر، نمی‌توانند کشور را جلو ببرند، نمی‌توانند هیچ کاری انجام بدهند. آنها درست مانند تعدادی کودک هستند و رفتارهای ترامپ تمام این چیزها را نشان داده است.